



۶۶

زیر نظر: سید عباس ترّین

دوست‌های خوبم، محدثه اسلام‌پسند / دزفول

دوست‌های خوبم، نگین علی پارسانش و مبین بهبودی / قزوین

«اگر خدا بفواهد، امام ما می‌آید
اگر خدا بفواهد مهربان ما می‌آید...»

شعر «اگر خدا بفواهد...» را خواندم. این شعر اسم نسبتاً خوبی دارد و با مضمون اصلی نوشته‌ات ارتباط لازم را برقرار کرده است. اما همان‌طور که از بیت اول مشفص است، شعر تو از نظر وزن و قافیه دچار مشکل است. یعنی در مصرع دوم کلمه «مهربان» در وزن جا نشده و می‌توان به‌جای آن کلمه‌ای مثل «عزیز» گذاشت تا وزن، شکل درستی داشته باشد. کلمه‌های «ما می‌آید» که در پایان هر دو مصرع تکرار شده‌اند، ردیف محسوب می‌شوند و به‌طور طبیعی کلمه‌های قبل از آن باید با هم قافیه باشند؛ امام و مهربان. همان‌طور که می‌بینی، عروض آفر این دو کلمه شبیه هم نیستند و بنابراین این بیت دارای قافیه‌های سالمی نیز نیست.

از خوبی‌های شعرت می‌توان به زبان ساده و نسبتاً صمیمی آن اشاره کرد. عبارت «اگر خدا بفواهد» که برای همه آشناست و مردم در صحبت‌های‌شان از آن استفاده می‌کنند نیز به صمیمیت شعر اضافه کرده است. گویا تو نیز متوجه این نکته بوده‌ای و آن را در همهٔ بیت‌ها تکرار کرده‌ای. البته باید حواس‌ت باشد که تکرار زیاد یا بی‌جای یک عبارت جذاب می‌تواند از تاثیرگذاری آن کم کند. موفق باشی!

«روزی فانم‌بزی رفت برای ناهار پیتزای علف بفر و گفت:
بچه‌ها در رو به روی کسی باز نکنید...»

تا به‌حال نویسنده‌های مفتلفی با دست‌مایه قرار دادن قصه‌های آشنایی مثل همین قصهٔ شنگول و منگول داستان‌های تازه‌ای نوشته‌اند که خیلی از آن‌ها مثل شما از زاویه‌ای طنز به موضوع نگاه کرده‌اند یا بخش‌هایی از ماجرا را تغییر داده‌اند. این که سعی کرده‌اید با وارد کردن اشیاء یا عناصر امروزی مثل پیتزا، بازی‌های کامپیوتری یا موبایل روایت تازه‌ای از یک داستان آشنا داشته باشید و به آن بار طنز ببخشید، خیلی خوب است. به‌خصوص در جاهایی که این ابزارها عاملی برای تغییر قصه می‌شوند یا روند اتفاق‌ها و ماجراها را عوض می‌کنند، استفادهٔ خوبی صورت گرفته است:

«آقا که گفت: منم مامانتون. ساندریچ کالباس با علف تازه آورده‌ام. تازه سس مخصوص علف هم فریدم.»

شنگول گفت: هنوز نفهمیدی ما آیفون تصویری داریم، ها؟
هم‌تا می‌دانید که هر داستانی باید نامی داشته باشد، در حالی که داستان شما عنوان ندارد. گذشته از این، مهم‌ترین ضعف این داستان پایان‌بندی نامناسبش است. در پایان بچه‌ها به راحتی گرگی را که فانم‌بزی این‌همه راجع به آن به بچه‌ها هشدار داده بود، دستگیر و تحویل پلیس می‌دهند. چنین اتفاقی، باور کردنی نیست و مقومه و دلیل منطقی برای آن در داستان ذکر نشده است. موفق باشید!



برگزیدگان مسابقه طراحی سؤال‌های طنز مشخص شدند

اگر اولین مجله امسال را خوانده باشید، حتماً مسابقه عضویت در باشگاه طنز رشد نوجوان را به یاد دارید. قرار بود شما با نگاه طنز ده سؤال چهار گزینه‌ای طراحی کنید و برای ما بفرستید تا بهترین‌ها به عضویت این باشگاه دربیایند. حالا زمان اعلام نتایج این مسابقه فرا رسیده است.

برندگان مسابقه طنز رشد نوجوان

ملیحه سادات حسینی / اصفهان

مریم جعفری / تبریز

محمد محبوب‌نیا / ساری

هانیه دمیرچی‌لو / کرج

آناهیتا قاسم‌آبادی / اراک

کوثر طالعمنار / اردبیل

فاطمه اشرفیان / بابل

سپهان گودرزی / تهران

ساجده آقاسی / تهران

قاسم رمضانزاده / فراسان رضوی

فاطمه هروی / ساری

پرهام معدنی / کرمان

ناهید روحانی / نور

مسام‌الدین باقری‌پور / نور

چرا ماهی‌ها موقع خواب چشم‌هایشان را نمی‌بندند؟

- الف) چون می‌فوانند فوایشان را واضح‌تر ببینند.
- ب) چون می‌فوانند فواب آب را ببینند.
- ج) یک لفظه غفلت، یک عمر پشیمانی!
- د) ماهی‌اند دیگر! پی‌کارش داری؟

تبدیل به آدم مهم‌شدن یعنی چه؟

- الف) یعنی که زیرت فط بکشند، بعد توی امتحان بیایی.
- ب) همه تشویقت کنند، بعد پیشانی‌ات فیس عرق شود.
- ج) نمی‌دانم. سؤال بعدی را پرس؛ حتماً بلدم.
- د) هرچه بابام بگوید.

بهترین راه برای شکار خرگوش کدام است؟

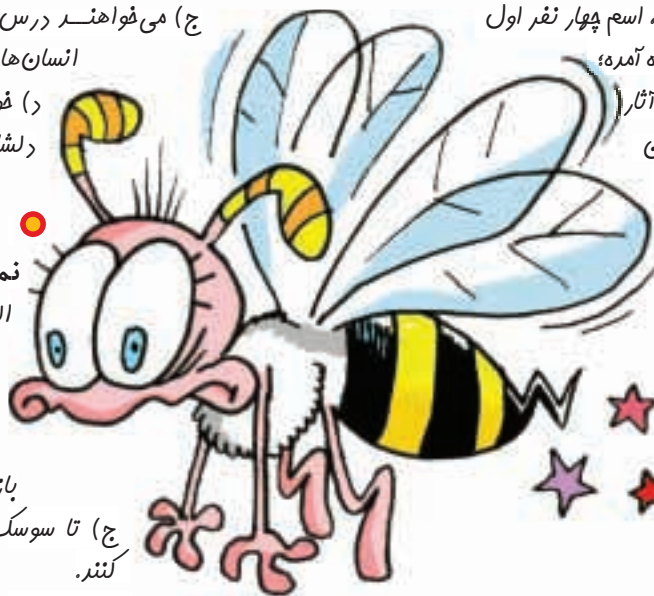
- الف) برایش لالایی می‌فوانی تا فوایش ببرد. بعد فیلی راحت می‌روی و برش می‌داری.
- ب) صدای هویج درمی‌آوری تا بیاید طرفت.
- ج) فراموش کردن روز قیامت.
- د) این سؤال سه‌گزینه‌ای است.

چرا زنبورها وقتی انسانی را نیش می‌زنند، می‌میرند؟

- الف) به خاطر عذاب و پدران.
- ب) حتماً می‌فوانند فودکشی کنند.
- ج) می‌فوانند درس عبرتی باشد برای انسان‌ها.
- د) فوشی زیاد می‌زند زیر دلشان!

چرا مورچه‌ها نمی‌خوابند؟

- الف) تا در هنگام شب غذا جمع‌آوری کنند.
- ب) برای اذیت و آزار کسانی که با دهان بازمی‌فوانند.
- ج) تا سوسک‌های مرده را غافلگیر کنند.
- د) چون شبانه‌روزی کار می‌کنند.



همان‌طور که می‌بینید، اسم چهار نفر اول به شکل برجسته و سیاه آمده؛ چون این افراد آثار برجسته‌ای برای این مسابقه فلق کردند. از آن‌ها که صفحه‌های گل‌دان مسدود است، گزیده آثار ده نفر بعد را در شماره بعد چاپ می‌کنیم و در این جا تنها گزیده‌ای از سؤال‌های چهار نفر برگزیده را می‌آوریم.



شیرجه در تاریخ ماهی ها

کتاب ماهی ها / کوثر مولودی

× ماهی، غذای اصلی مردم ۳ و ۴ باستان بود.

× «ماهی سفید» طی چندین قرن، نقش پول را در خرید کالا و معاملات دیگر ایفا می کرد.

× «ماهی آزار» فوش فوراک ترین ماهی آب های شیرین است. زیستگاه اصلی این ماهی دریاچه های سرد ارتفاعات است که متأسفانه روز به روز از تعداد آن ها کاسته می شود.

پرنده ای به نام مرغ مگس خوار

چراهای شگفت انگیز پرندگان / فاطمه عموپور

× آیا می دانید کوچک ترین پرنده، مرغ مگس خوار بسیار کوچکی است که می تواند در انتهای مراد بنشیند؟
× آیا می دانید مرغ مگس خوار تنها پرنده ای است که می تواند به عقب پرواز کند؟



سکسکه از کجا می آید؟

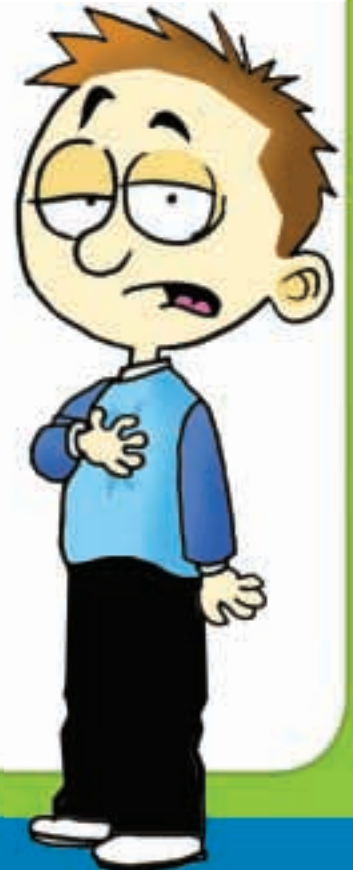
۵۰۰ سؤال و جواب علمی / بهاره پورداد

سکسکه معمولاً به خاطر این که شما غذا را فوب نپویده اید، به وجود می آید. در واقع سکسکه وقتی سر و کله اش پیدا می شود که غذای تان هضم نشده باشد. در این موقع اعصاب، فوری به نفاخ فبر می دهند. نفاخ هم دستور می دهد که شما فوری نفس بکشید، اما در همین لحظه گلوی شما بسته می شود و هوا به گلوی بسته می خورد و در نتیجه صدایی شنیده

هیچک!

می شود: هیچک!

این صدای سکسکه است. سکسکه نوعی واکنش است و ممکن است با نوشیدن آب برطرف شود.





پام پام، هزارپام!

یک روز یک هزارپا از بالای درخت می افتد زمین و می گوید:
«آخ پام پام پام...»

فاطمه شمسی/بافت کرمان

شغل باکلاس

یک روز قصابی می رود فواستکاری. از او می پرسند: شغلت
چیست؟

جواب می دهد: «فروشنده لوازم یدکی گوسفند دارم»
فیروزه مهربان



خسیس دست و دلباز

درست موقع خوردن شام، برای مرد فسیس
مهمان آمد.

میزبان فسیس به مهمان که منتظر آمدن غذا
بود، گفت: «اگر گرسنه هستید، مرغ هست.
بگوییم برای تان تغم کند؟»

علیرضا قربانی

سؤال خوشمزه

معلم: «اگر من ۲ سیب به تو بدهم و تو یکی از آن ها
را بفوری، برایت چند سیب باقی می ماند؟»

دانش آموز: «آقا اجازه! ما این طوری نمی توانیم جواب
بدهیم. باید سؤالش را عملی پیرسید!»

احسان طاهرخانی/تاکستان

